



محسن نجات‌حسینی - سوئد  
contactmnh@yahoo.com

می‌گویند یکی به قصد دزدی به سوی خانه‌ی رفت. زمین جلو خانه یخ زده بود. دزد به زمین خورد و پایش شکست. به دادگاه از صاحبخانه شکایت برد که زمین جلو خانه‌اش را از برف و یخ پاک نکرده بود. دادگاه این داستان، ظاهراً یک طنز است اما هر طنزی بازنمایی از یک رویداد واقعی است. در سوئد، قوانین جزایی برای درمان عوارض اجتماعی تدوین شده است. این قوانین خالی از هرگونه بغض، نفرت و کینه‌توزی نسبت به مجرمان است.

در یک جامعه دموکراتیک، قانون با توجه به منافع کلی جامعه از حقوق افراد دفاع می‌کند. قوانین جزایی در سوئد با هدف پیشگیری از تکرار جرم تدوین شده است. با وقوع هر جرمی باید علل آن را ریشه‌یابی کرد و برای درمان آن عارضه اجتماعی، راهی را که با منافع جامعه هماهنگ باشد، در پیش گرفت.

چند سال پیش تعدادی از جوانان بزهکار بین ۱۶ تا ۱۹ سال به عنوان عاملان جرم‌های گوناگون مورد شناسایی پلیس قرار گرفتند. این جوانان که بیشتر آنها خارجی تبار بودند، با گریز از درس و مدرسه به صورت گروهی برای افراد مختلف مزاحمت ایجاد می‌کردند. برخی کوشش‌های اداره اجتماعی نیز برای بازداشتن آنها از ناهنجاری‌های رفتاری به نتیجه‌ی نرسیده بود. کارشناسان امور تربیتی به بررسی وضع زندگی آنها پرداختند. نتیجه این بررسی‌ها این بود که این جوانان باید مدتی از محیط کنونی زندگی‌شان دور باشند تا زمینه تربیت و آموزش برای آنها فراهم شود. کارشناسان تأکید کردند این جوانان به یک برنامه کاری درازمدت و راهنمایی آموزنده نیازمندند. برای درمان عوارض تربیتی آنها راهکارهای بسیاری در نظر گرفته شد. سرانجام پرهزینه‌ترین برنامه در دستور کار قرار گرفت. یک شرکت قایقرانی پیشنهاد کرد این جوانان را در یک سفر نسبتاً طولانی مورد آموزش قرار دهد. قراردادی بین شهرداری محل زندگی جوانان و این شرکت منعقد شد. چند نفر از شورورترین جوانان را در یک قایق تفریحی مجهز جای دادند تا در یک برنامه سه‌ماهه راهی مناطق گردشگری در جزایر کارائیب شوند. هزینه‌های سفر را شهرداری بر عهده گرفت. طبق برنامه‌ی که ترتیب داده شده بود، هر یک از این جوانان از لحظه سوار شدن به قایق دارای وظایف و مسوولیت‌های مشخصی بودند که به زندگی در قایق و هدایت آن به سوی مقصد، سر و سامان می‌داد. تمیز کردن قایق، پخت و پز و تهیه غذا، شست‌وشوی وسایل و لباس‌ها، هدایت قایق و بادبانه‌ها و شرکت در زندگی جمعی درون قایق، به کارگیری نیروی ابتکار و خلاقیت برای مسائلی که پیش می‌آید همه در برنامه سرنشینان قایق گنجانده شده بود. علاوه بر این، یک برنامه آموزشی برای درس‌هایی که این جوانان از آن‌ها گریزان بودند، به برنامه کاری در قایق افزوده شد. از زمانی که این قایق راه خود را در پیش گرفت تا سه ماه بعد که به ساحل سوئد بازگشت، پیرامون این اقدام تربیتی پرهزینه و شاید هوس‌انگیز، در رسانه‌ها بحث و گفت‌وگو بسیار بود. برآیند این گفت‌وگو این بود که آیا با این هزینه، کاری بهتر قابل انجام نبود. بالاخره این گروه با سه ماه آموزش و کارآموزی در دریا، دوباره به محیطی که در آن بودند، بازگشتند. برخی از شهرداری‌های دیگر نیز چنین برنامه‌ی را برای جوانان شروع در مناطق خود به اجرا گذاشتند و قایق‌هایی با سرنشینان جوان، به آب‌های مدیترانه فرستاده شد. راه برخی به یونان و بعضی به ترکیه رسید و ماه‌ها برنامه‌های آموزشی و تربیتی روی آب جریان داشت.

ارزیابی این برنامه‌های پرهزینه نشان داد گزینش این شیوه تربیتی یعنی فرستادن جوانان بزهکار به سفرهای درازمدت دریایی، کار درستی بوده است اما نتیجه‌ی آن که از آن انتظار می‌رفت، به دست نیامده بود. کارگزاران این برنامه در قایق‌ها از آموزش و تجربه لازم برخوردار نبودند. آنها به سهل‌انگاری و عدم انجام وظایف خود متهم شدند. اندکی از جوانان در چنین شرایطی فرصت یافته بودند در زمان استراحت در جزیره‌های بین راه، دست به بزهکاری زده و بگریزند. عملکرد ناموفق کارکنان قایق و هزینه سرسام‌آور این سفرها، اعتراضات زیادی را برانگیخت. در حالی که شرکت‌های قایقرانی برای آموزش و پرورش بزهکاران صف کشیده و اعلام آمادگی کرده بودند،



مردم‌سالاری و رفاه اجتماعی در سوئد

## دادگستری و دادرسی

**کشور سوئد در اوایل قرن بیستم در زمره فقیرترین کشورهای اروپایی بوده است. اکنون بر اساس آمار بین‌المللی و ارزیابی سازمان‌های بی‌طرف، یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای صنعتی جهان بوده و مردم آن از بالاترین سطح رفاه زندگی برخوردارند. این دگرگونی نتیجه مبارزات درازمدت جنبش کارگری و سندیکایی و نیز سیاستگذاری سوسیال‌دموکراسی در این کشور است. این نیروها توانسته‌اند آزادی، برابری و عدالت اجتماعی را در این کشور نهادینه کرده و راه رشد و پیشرفت جامعه را هموار کنند. هدف از این نوشته نگاهی درونی بر روابط و مناسبات جاری در سوئد و شناخت عواملی است که آن جامعه را به سوی پیشرفت سوق داده است.**

دخالتی ندارند. مددکاران اجتماعی، روانشناسان، جامعه‌شناسان و حقوقدانان با کمک یکدیگر برای بازسازی یک بزهکار همکاری می‌کنند. هرگاه این مسوولیت مهم به افرادی ناشایست سپرده شود، اقدامات آنها برای ارشاد مجرمان نه تنها بی‌فایده است بلکه به ترویج خشونت در جامعه و گسترش بیش از پیش جرائم خواهد انجامید و مشکلات تازه‌ی را بر ذهن و جسم جامعه تحمیل خواهد کرد.

در جهان امروز همان‌طور که بیماران جسمی نیاز به دانش پزشکی و متخصص درمانی دارند، ناهنجاری‌های رفتاری نیز به اقدامات کارشناسانه مبتنی بر تجربه و دانش روز نیازمند است.

باید با ابزار علم و دانش و منطق به چنین مشکلاتی رسیدگی شود. در جوامع دموکراتیک و آزاد که شایسته‌سالاری رایج است، پست‌های شغلی به کسانی واگذار می‌شود که تجربه و دانش لازم را برای حوزه شغلی خود دارا هستند. در چنین جوامعی با برخورداری از تجربه و دانش روز، به حل و فصل مشکلات جامعه و از جمله برخورد درست با بزهکاران می‌پردازند.

### قوانین جزایی در سوئد

چند سال پیش دو نفر به قصد دزدی در خانه‌ی بی‌را کوییدند. پیرمردی در را گشود. آنها به زور وارد خانه شدند. پیرمرد با داد و قال از مهمانان ناخوانده پندیرایی کرد. یکی از

دزدها ماهیتابه‌ی بی‌را از آشپزخانه برداشت و بر سر او کویید. پیرمرد به زمین افتاد و بی‌درنگ جان سپرد. دزدها را پس از چند روز دستگیر کردند.

بر اساس قوانین جزایی در سوئد برای آنکه کسی مجرم شناخته شود، یا باید وی اعتراف کند یا باید وسیله جرم پیدا شده باشد و ثابت شود آن فرد آن را به کار برده است. این دو دزد هیچ کدام اعتراف نکردند بلکه هر کدام مدعی بودند ضربه کشنده را آن یکی وارد کرده است. سه ماه این دو در بازداشت به سر بردند تا دادگاه تشکیل شد. در دادگاه هم نه اعترافی صورت گرفت و نه وسیله جرم مهر تأیید بر کسی زد. رای دادگاه بر این شد که هر دو آزاد شوند و هر دو نیز به خاطر سه ماه بازداشت، از دولت غرامت دریافت کردند.

این حکم دادگاه اعتراضات بسیاری را برانگیخت. آنچه مسلم بود قتل توسط لاقفل یکی از آنها انجام شده بود. اقدام دو نفر برای دزدی ایجاب می‌کرد که هر دو مجرم و شریک در قتل شناخته شوند اما قاضی دادگاه اعلام کرد او در چارچوب قوانین موجود رای خود را صادر کرده است. وی تأکید بر این امر داشت که براساس قانون، آزاد بودن یک مجرم بهتر از در بند بودن یک بی‌گناه است. بنا بر چنین قضاوتی، چنان حکمی صادر شده بود.

پس از این جریان، قانون مجازات تغییر کرد به گونه‌ی که در جرمی مشابه داستان نام برده در بالا، از این پس هر دو نفر شریک در قتل به شمار خواهند آمد.

اگر تاریخ را به عقب برگردانیم، در قانون حمورابی که نخستین سند شناخته شده برای قانونگذاری است و قرن‌ها قبل از میلاد مسیح، توسط پادشاه بابل تدوین شده است، مجازات برای مجرمان، از پرداخت غرامت تا مرگ دیده می‌شود اما زندانی کردن مجرمان در این قانون پیش‌بینی نشده است. در دوران قدیم، مجازات بیشتر به صورت بدنی یا مرگ اجرا می‌شد. با رشد جامعه بشری، شیوه مجازات زندان به تدریج جایگزین مجازات بدنی شد. در اروپا، برای اولین بار در سال‌های میانی قرن شانزدهم محلی به نام زندان در انگلستان ساخته شد تا با سلب آزادی از مجرمان آنها را مجازات کنند. در سوئد اولین بار در سال ۱۶۲۴ مجازات زندان برای گدایان و دزدها به قانون اساسی اضافه شد. در پی این قانون، در استکهلم، محلی برای نگهداری مجرمان در نظر گرفته شد.

در اواخر قرن هجدهم مجازات مجرمان مورد تجدید نظر قرار گرفت و در طول قرن نوزدهم با الهام از کشورهای پیشرفته، ساختار زندان‌ها در جهت رفاه بیشتر زندانیان تغییر یافت. در این دوران استفاده از سلول انفرادی برای پیشگیری از تأثیرگذاری زندانیان بر یکدیگر نیز رایج شد.

در سوئد اعدام مجرمان در مورد مرتکبان به قتل انجام می‌شد اما با اصلاحاتی که در سال ۱۸۶۶ در قانون به وجود آمد، شرایط لازم برای استفاده از قانون اعدام تغییر کرد و از آن پس میزان اعدام‌ها به شدت کاهش یافت. از ۱۸۶۶ تا ۱۹۲۱ که اعدام در سوئد ممنوع شد، بیش از ۱۲۰ نفر محکوم به اعدام شدند اما حکم مرگ، تنها در مورد ۱۵ نفر به اجرا درآمد. در سال ۱۹۲۱ اعدام در زمان صلح کاملاً ممنوع شد اما استفاده از اعدام در شرایط جنگ همچنان باقی ماند. در سال ۱۹۷۳ اعدام در هر شرایطی مطلقاً ممنوع شد. به این ترتیب در میان جوامع تمدن امروزی، سوئد از اولین کشورهای بوده است که دوری جستن از خشونت را به شکل قانون ترویج داده است. بازتاب چنین رفتاری است که امروز جامعه سوئد را به صورت الگویی از آرامش و خالی از بسیاری تشنجات اجتماعی، در صدر جوامع مدنی قرار می‌دهد. آخرین حکم اعدام در سوئد در سال ۱۹۱۰ اجرا شده است.

قانون مجازات عمومی در سوئد دستخوش تغییرات بسیاری بوده است. هم‌زمان با رشد جامعه و تدوین قوانین جدید، نگاه قانون به مجرمان نیز دگرگون شده است. اکنون نگاه جامعه به مجرمان تنها نگاه به جرم آنها نیست بلکه نگاه به عواملی است که جرم را به وجود آورده است. در بسیاری موارد یک مجرم، قربانی روابط ناسالم موجود در جامعه است. در جایی که فقر وجود داشته باشد، زمینه رشد انواع جرائم مالی و دزدی به وجود می‌آید. آنجا که قوانین و ضوابط اجتماعی اجازه معاشرت آزاد به زنان و مردان را نمی‌دهد، زمینه رشد جرائم جنسی فراهم می‌شود. بی‌سوادی، کمبود آگاهی اجتماعی و عدم برخورداری از اطلاعات و اخبار درست در سطح جامعه، زمینه رشد ناهنجاری‌های بسیاری را به وجود می‌آورد. قانون شکنی، تجاوز به حقوق دیگران، بی‌اعتمادی، چاپلوسی، دروغ‌گویی، پارتی بازی، رشوه‌گیری و همه ناهنجاری‌های اجتماعی زاینده

شرایطی است که در جامعه وجود دارد . در جوامع پیشرفته از جمله سوئد، با ترویج آزادی‌های اجتماعی و احترام به حقوق شهروندی، زمینه رشد بسیاری از مفاسد اجتماعی کاهش پیدا کرده یا از میان رفته است .

**حقوق فرد بازداشت شده**

طبق مصوبه کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا، هر کس که بازداشت می شود، حق دارد هنگام بازپرسی یک نفر شاهد داشته باشد . این فرد را که متهم تعیین می کند، می تواند یکی از دوستان یا نزدیکانش یا یک وکیل دادگستری باشد. بنابراین حق هر شهروندی است که در هرگونه بازپرسی توسط پلیس، یک نفر را همراه داشته باشد .

پلیس می تواند حداکثر شش ساعت یک فرد را مورد بازجویی قرار دهد . در صورتی که به گمان پلیس، فردی مجرم باشد، بازجویی می تواند شش ساعت نیز تمدید شود . بازجو حق ندارد به متهم دروغ بگوید، او را تهدید کند یا به او رشوه بدهد . بازجو حق ندارد متهم را مجبور به گفتار یا انجام کاری کند که باعث خستگی او شود. متهم باید وعده‌های غذایی را به موقع دریافت کند و در صورت لزوم به استراحت نیز بپردازد . وظیفه متهم این است که نام، نشانی و شماره ملی خود را در بازجویی اعلام کند . غیر از گفتن این مشخصات شخصی، متهم مجبور به گفتن چیز دیگری نیست . در سوئد بازجو حق ندارد از متهم درباره طرز تفکر و اندیشه سیاسی یا مذهبی او پرسش کند . ثبت تفکر و اندیشه شهروندان، در سوئد خلاف قانون است . حتی در بیان‌های اداره آمار سوئد نمی توان اطلاعاتی درباره تعداد پیروان مذاهب مختلف یا گروه‌های سیاسی در سوئد پیدا کرد .

در صورتی که احتمال مخفی شدن متهم، تخریب ادامه تحقیقات یا تکرار جرم وجود داشته باشد، دادستان می تواند با شرایطی از دادگاه خواستار حکم بازداشت متهم باشد. در صورتی که مجازات در حد پرداخت غرامت باشد، بازداشت صورت نمی‌گیرد. در چنین حالتی حق داشتن وکیل یا هزینه دولت نیز وجود ندارد. بازپرس می تواند برای تکمیل تحقیقات یا در انتظار حکم دادگاه برای بازداشت، اجازه بازداشت موقت صادر کند . دادستان باید ظرف ۲۴ ساعت مدارک لازم را همراه با تقاضا برای حکم بازداشت به دادگاه تسلیم کند . در شرایط خاص تمدید این زمان تا سه شبانه‌روز نیز مجاز خواهد بود.

در دادگاه، یک قاضی تصمیم نمی‌گیرد قضاوت در دادگاه‌ها نموداری از چگونگی عدالت در جامعه است . در سوئد قوه قضائیه یک نهاد مستقل است که هیچ گونه وابستگی به دولت، پارلمان یا دستگاه دیگری ندارد .

یکی از بارزترین نمودهای مردمسالاری در چگونگی قضاوت در دادگاه‌های سوئد دیده می‌شود. در سوئد هنگام قضاوت در دادگاه فقط یک قاضی نیست که تصمیم می‌گیرد و قضاوت می‌کند. قضاوت توسط یک هیات چهار نفره صورت می‌گیرد. یک قاضی به عنوان کارشناس حقوقی ریاست هیات را بر عهده دارد. سه نفر اعضای دیگر به عنوان هیات منصفه در قضاوت شرکت می‌کنند. اعضای هیات منصفه پس از پایان انتخابات شهرداری‌ها، هر چهار سال یک بار از سوی انجمن شهر برگزیده می‌شوند. در انجمن شهر نمایندگان منتخب مردم از احزاب مختلف حضور دارند. بدیهی است که افراد برگزیده از سوی این انجمن نیز دارای وابستگی حزبی هستند. اما آنها متعهد هستند که در هیات منصفه کاملاً غیرسیاسی و بی طرفانه عمل کنند. حکم دادگاه یک حکم جمعی است که توسط قاضی و یک هیات منصفه صادر می‌شود. اعضای هیات منصفه افراد معمولی جامعه از قشرهای مختلف هستند که هر کدام دنبال کسب و کار خودشان هستند و هیچ گونه وابستگی به دستگاه قضایی ندارند. آنها تنها در جلسات دادگاه شرکت می‌کنند.

حکم نهایی دادگاه، با یکی از شرایط زیر قطعیت پیدا می‌کند. ۱- رای اکثریت در بین چهار نفر ۲- هنگامی که هر دو نفر با هم دارای یک نظر هستند، یعنی دو جور حکم وجود دارد. مثلاً دو نفر حکم تبرئه می‌دهند و دو نفر حکم زندان، در این صورت حکم سبک‌تر یعنی تبرئه مورد قبول است. ۳- اگر دو حکم موجود هم وزن باشند اما دارای دو بیش یا روش اجرایی باشد، حکم دو نفری که قاضی یکی از آنهاست قاطعیت پیدا می‌کند.

در سوئد از صدها سال پیش، هیات منصفه در جریان همه محاکمات حضور داشته است. این هیات که از اقتشار مختلف مردم تشکیل می‌شود در تصمیم‌گیری دادگاه نقش اساسی دارد. حضور اقتشار مختلف مردم در

تصمیم‌گیری در دادگاه‌ها باعث می‌شود احکام صادره از سوی دادگاه منطبق با تشخیص و خواست عمومی مردم باشد. اعضای هیات منصفه بیش از قاضی به روابط و مناسبات درون جامعه واقف هستند. آنها با گروه‌های مختلف شغلی و اجتماعی همواره در تماسند. مسائل و مشکلات جامعه و انتظارات مردم را بیش از یک قاضی درک می‌کنند. بنابراین حکمی که با درک و احساس هیات منصفه عجین باشد عادلانه‌تر بوده و بیشتر مورد قبول جامعه خواهد بود. به ویژه اینکه اعضای این هیات هیچ وابستگی شغلی و اداری نیز در دستگاه قضایی ندارند. در همه دادگاه‌ها و مراحل قضایی در سوئد، هیات منصفه حضور دارد. تنها در دیوان عالی کشور و دادگاه عالی اداری، حقوقدانان در نقش قاضی تصمیم‌گیری می‌کنند.

اکنون پیشنهاداتی در دست بررسی است که خواستار انتخاب هیات منصفه از افراد غیروابسته به احزاب سیاسی است.

به این ترتیب است که قضاوت از حیظه قدرت یک فرد و حتی از حوزه قدرت انحصاری قوه قضائیه خارج شده و در چارچوب مردمسالاری شکل می‌گیرد و هویت مردمی پیدا می‌کند.

پس از اینکه فردی مجرم شناخته شود، دادگاه بر اساس نوع جرم و چگونگی انجام آن، طبق قوانین موجود، حکمی را صادر می‌کند. بدیهی است که تا قطعی شدن حکم، مراحل گوناگونی برای تجدید نظر وجود دارد. وقتی حکمی نهایی شد، شیوه مجازات نیز مشخص می‌شود. زندان در محیط بسته، شدیدترین نوع مجازات است که در مورد عاملان جرم‌های جنایی به کار گرفته می‌شود. سبک‌ترین مجازات‌ها «مراقبت آزاد» (فری ورد) است که در آن زندانی به جای رفتن به زندان در خانه خود یا در محله خود باقی می‌ماند. وی نباید در دوره محکومیت از محدوده مشخصی خارج شود. هرگاه محکومیت کمتر از شش ماه باشد، فرد محکوم می‌تواند به جای زندان از نظارت شش‌روزه استفاده کند. نظارت فشرده در صورتی جایگزین زندان می‌شود که احتمال تکرار جرم وجود نداشته باشد. در این صورت یک فرستنده امواج رادیویی توسط یک قلاب، دور یک پای زندانی قفل می‌شود. آنگاه به زندانی اجازه داده می‌شود در خانه خود یا تا محدوده‌ی اطراف خانه‌اش رفت و آمد کند. مرکز نظارت در زندان از طریق دریافت امواج رادیویی شبانه‌روز رفت و آمد زندانی را کنترل می‌کند. در سال ۲۰۰۸ حدود سه هزار نفر از نظارت فشرده استفاده کرده‌اند که بیش از ۲۰۰ نفر آنها به خاطر عبور از محدوده تعیین شده، به زندان بازگردانده شدند. قلاب یا می‌تواند برای برخی از زندانیان نیز استفاده شود تا آنها بتوانند در محدوده ویژه‌ی در ارتباط با زندان رفت و آمد کنند. در مورد جرائمی مانند اعمال خشونت، رانندگی در حال مستی، مواد مخدر و از این قبیل که نیاز به رفتاردرمانی دارند، می‌توانند به جای زندان از حکم قراردادی استفاده کنند. در این صورت فرد محکوم شده متعهد می‌شود در طول زمانی که دادگاه تعیین می‌کند، به یک مرکز درمانی مراجعه کند و بر اساس یک برنامه مشخص، کمک درمانی دریافت کند.

اداره زندان‌ها محکومان را به چهار دسته تقسیم می‌کند و برای هر گروه برنامه‌های بازسازی ویژه‌ی را به کار می‌برد. این چهار گروه عبارتند از محکومان جرائم جنایی، محکومان اعمال خشونت‌آمیز، محکومان اعتیاد به مواد مخدر و محکومان جرائم جنسی.

مجرمان جرائم سنگین که به حبس ابد محکوم شده‌اند، می‌توانند پس از ۱۰ سال زندان، تقاضای کاهش مجازات کنند تا حکم آنها به زندان مدت دار تبدیل شود. در صورتی که رفتار زندانی متقاضی نشان‌دهنده بهبود وضع روحی و روانی او باشد چنین تبدیلی صورت می‌گیرد و در بسیاری موارد فرد زندانی آزاد می‌شود.

**خدمات عمومی به جای زندان**

«کامیلا» دختر ۱۹ ساله در یک فروشگاه زنجیره‌یی در حال کش رفتن یک تکه لباس بود که مورد توجه کارکنان فروشگاه قرار گرفت. آنجا نام و مشخصات او را گرفتند و به پلیس گزارش دادند. پس از چندی کامیلا مورد بازپرسی قرار گرفت. وی نزد پلیس اعتراف کرد بارها لباس، لوازم آرایش و زینت آلات را از فروشگاه‌های مختلف کش رفته است. کامیلا تحت تأثیر بعضی دستاکنش در دبیرستان قرار گرفته و برای رقابت با آنها به چنین کاری دست زده بود. وی هنگام بازجویی از کرده خود ابراز پشیمانی کرد و آن را احمقانه خواند. کامیلا در دادگاه به ۶۰ ساعت «مراقبت و کار خدماتی» محکوم شد. او باید تحت نظارت اداره «مراقبت از محکوم‌شدگان» ۶۰ ساعت از زمان

فراغت خود را بدون پاداش برای بخش عمومی کار می‌کرد. کامیلا را به «گربه خانه» فرستادند. این مرکز که وابسته به شهرداری است از گربه‌های سرگردان نگهداری می‌کند تا به صاحبان‌شان برگردانده شوند. پس از پایان حکم از کامیلا دعوت شد در مرکز مراقبت از محکوم‌شدگان حاضر شود. در آنجا با حضور نماینده «گربه خانه» و ابراز رضایت از رفتار کامیلا، از کامیلا تعهد گرفته شد که دیگر هرگز دست به جرم نزند. به این ترتیب کامیلا دوران محکومیت خود را گذراند و یک شهروند آزاد شد.

**محکومیت به زندان**

«میلان» پس از کتک کاری با «استانیسلاو» و مضروب کردن او، از محل گریخته بود. استانیسلاو که به شدت مجروح شده بود به بیمارستان منتقل شد و حالش به وخامت کشید. میلان تا به حال چندین بار باعث اذیت و آزار دیگران شده بود. روز پس از حادثه میلان دستگیر و به بازداشتگاه منتقل شد. میلان گفته بود استانیسلاو به او بدهکار بوده و از بازپرداخت بدهکاری‌اش خودداری کرده بود. در دادگاه میلان به کمی بیش از یک سال زندان محکوم شد. همزمان با گذراندن دوران زندان باید در برنامه آموزش‌های «جایگزینی به جای خشونت» شرکت کند و یاد بگیرد که هرگز کسی را مورد ضرب و شتم قرار ندهد.

«کانی» که به یک جرم بزرگ متهم بود، توسط پلیس دستگیر شد و مورد تفتیش بدنی قرار گرفت. قبل از اعزام او به بازداشتگاه، پلیس او را مورد بازپرسی قرار داد. در مورد کانی مراقبت‌های امنیتی ویژه‌یی به عمل آمد. همه لباس هایش از او گرفته شد و لباس بازداشتگاه پوشید. کانی به عنوان متهم در بازداشتگاه به سر می‌برد. تا وقتی دادگاه جرم او را ثابت نکرده باشد، او بی‌گناه به حساب می‌آید. کانی با کمک پلیس با یکی از وکلای باتجربه تماس گرفت و او را به عنوان وکیل خود به پلیس معرفی کرد.

در سوئد اگر متهمی توان مالی برای پرداخت هزینه وکیل را نداشته باشد دادگاه آن را می‌پردازد.

کانی در بازداشتگاه در یک سلول انفرادی به سر می‌برد. او برای رفتن به توالت باید زنگی را به صدا درآورد تا مامور بازداشتگاه در راروی او باز کند. او تنها می‌تواند با وکیلش گفت‌وگو کند.

پلیس و دادستان تحقیقات خود را در مورد «کانی» شروع کردند. به علت مهم بودن جرم، دادستان تصمیم گرفت کانی را تا پایان تحقیقات اولیه در بازداشتگاه نگه دارد. تحقیقات پلیس نشان از آن داشت که کانی عامل دزدی از بانک بوده است. دادستان این موضوع را به دادگاه گزارش داد و خواستار حکم دادگاه برای بازداشت کانی شد. هدف از بازداشت این است که متهم نتواند قبل از دادگاه دست به جرم دیگری بزند یا کاری کند که تحقیقات پیرامون این جرم را دشوار سازد. اگر فردی به جرم سبک‌تری متهم باشد، پس از بازپرسی توسط پلیس آزاد می‌شود تا اینکه دادگاه او را برای محاکمه فراخواند.

کانی به دستور دادگاه در بازداشتگاه باقی ماند. در آنجا هر روز یک ساعت به هواخوری در فضای پشت‌بام بازداشتگاه برده می‌شد. وکیل کانی در تمام مراحل بازپرسی در کنار او بود. پس از پایان تحقیقات اولیه، دادستان از دادگاه تقاضا کرد کانی را محاکمه کند. در دادگاه دادستان کوشید ثابت کند کانی مرتکب جرم دزدی از بانک است و طبق قانون باید مجازات شود. وکیل کانی بر تمام جریان بازپرسی و محاکمه نظارت داشت تا همه چیز طبق قانون انجام شود. اگر کانی به انجام جرم اعتراف نمی‌کرد، وکیل او می‌کوشید دادگاه را قانع کند تا او را آزاد کنند.

کانی در دادگاه پذیرفت او از بانک دزدی کرده است. هیات قضات او را به چهار سال زندان محکوم کرد.

کانی از بازداشتگاه به زندان منتقل شد. در زندان، او از آزادی و تحرک بیشتری برخوردار است. او می‌تواند کار یا تحصیل کند و در ساعات فراغت به ورزش مورد علاقه‌اش بپردازد. با ورود به زندان و ثبت در آن باید لباس‌های زندان را بپوشد. یک اتاق که حداقل شش متر مربع مساحت دارد در اختیار او گذاشته و ضوابط زندان به صورت شفاهی و کتبی برای او توضیح داده شد. چون کانی به قمار عادت داشت و در همین راستا کارش به دزدی از بانک کشیده بود، باید برنامه ویژه‌ی را دنبال کند. این برنامه برای دور کردن او از این عادت نادرست صورت می‌گیرد. کانی به کار در صنایع چوب مشغول شد. او در آنجا کفش‌های چوبی می‌سازد.

کفش‌های با کف قطور چوبی از کفش‌هایی سنتی سوئدی‌ها به شمار می‌آید. کانی برای هر ساعت کار

حدود ۱۰ کرون مزد می‌گیرد. مزد او در یک شماره حساب ذخیره می‌شود و کارتی در اختیار کانی قرار می‌گیرد که می‌تواند توسط آن از فروشگاه زندان خرید کند. ۱۰ درصد از پول ذخیره‌شده در حساب او نگهداری می‌شود تا هنگام مرخصی در طول زندان بتواند از آن استفاده کند. کانی در ساعات فراغت، پینگ‌پنگ و باندی زیر سقف بازی می‌کند. هرچند گاه نیز مادر و برخی دوستانش از او در زندان بازدید می‌کنند.

بازدید در زندان در اتاق ملاقات که یک اتاق پذیرایی است صورت می‌گیرد. کانی پس از سه سال یعنی پس از اینکه سه چهارم محکومیت خود را گذرانده بود، از زندان آزاد شد و آموخت که برای همیشه از قمار دوری کند.

**زندانی بیچه‌دار**

«نینا» در زندان زنان همراه با ۹۰ زندانی زن به سر می‌برد. حال او اصلاً خوب نیست. باید چهار سال در این زندان باشد. او دو فرزند چهار و هفت ساله دارد که اداره اجتماعی آنها را به پرورشگاه منتقل کرده است. نینا در باتلاق مواد مخدر فرو افتاده بود. او به دوست پسرش برای فروش مواد مخدر کمک می‌کرد که به تدریج خودش نیز معتاد شد. ناگهان دوست پسرش ناپدید شد و درآمدش هم از بین رفت و به دنبال آن بیچه‌ها را نیز از دست داد. اکنون نینا پشیمان از گذشته شومش، در انتظار برنامه‌یی است که به زودی آغاز می‌شود. بناست او با کمک این برنامه از اعتیاد دست بکشد تا بتواند چشم امید به آینده داشته باشد و فرزندانش را از پرورشگاه به دامن خود بازگرداند.

**حکم آزادی مشروط**

«دیژی» یک پسر ۱۸ساله است که در میان دوستان و آشنایانش به خشونت و کله شق بودن معروف است. او «آتابولا» مصرف می‌کند. آتابولا یک ماده انرژی‌زااست که برای سلامتی زیان‌آور است اما برخی ورزشکاران آن را مصرف می‌کنند تا با افزایش توانمندی بدن برای کوتاه‌مدت، در رقابت‌های ورزشی شانس خود را بیشتر کنند. وی بارها پسرها و دخترهایی را که نمی‌شناخته است مورد ضرب و شتم قرار داده بود تا اینکه روزی در حال دعوا با دیگران توسط پلیس دستگیر شد. در دادگاه آزادی مشروط محکوم شد. معنای این حکم این است که او سه سال تحت مراقبت قرار می‌گیرد اما آزاد زندگی می‌کند. در برنامه مراقبت دو هدف گنجانده شده است، یکی اینکه عملکرد مجرم تحت کنترل باشد و دیگر اینکه به مجرم برای اصلاح رفتارش کمک شود. برای مراقبت و کمک به دیژی یک فرد آگاه و باتجربه به مسائل جوانان تعیین شده است که با دیژی تماس می‌گیرد و بر رفتار او نظارت می‌کند. دیژی هر چند روز یک بار باید حضور خود را در «اداره مراقبت‌های ویژه» اعلام کند. او همچنین باید به طور مرتب در یک برنامه مخصوص تربیتی شرکت کند. این برنامه برای تغییر در تفکر و رفتار دیژی و ترک عادت او به «آتابولا» تدوین شده است.

**مراقبت آزاد**

«بروله» در حالت مستی تصمیم گرفت برای تبریک گفتن سالروز تولد دوست دخترش سراغ او برود. یک اتومبیل را دزدید و راه افتاد. از آن پس فهمید که چه اتفاقی افتاد. ماشین به ستون برق خورده و متوقف شده بود. بروله همان جا پشت فرمان در خواب فرورفته بود که پلیس او را بازداشت کرد. بروله به پنج ماه زندان محکوم شد. نامه‌یی به دادگاه نوشت و تقاضا کرد حکمش به «مراقبت آزاد» تبدیل شود. برای اینکه او خانه بماند و از قلاب پا استفاده کند لازم است او مسکن داشته باشد، تلفن در اختیارش باشد و چون می‌خواست در خانه دوست دخترش نادیا بماند، او نیز باید ماندن بروله را در خانه‌اش قبول می‌کرد. وقتی این شرایط جور شد، بروله به اداره مراقبت‌های ویژه رفت. یک قلاب دور پای او قفل کردند که مجهز به یک فرستنده رادیویی بود. برنامه‌یی در این قلاب گنجانده شده بود که هر وقت در زمان غیرمجاز پایش را از خانه بیرون بگذارد اداره مراقبت‌ها آن را ثبت می‌کند. بروله از مصرف مشروبات الکلی در دوره محکومیت منع شده بود. هرچندگاه بدون تعیین وقت، یک مامور اداره مراقبت‌ها به او سر می‌زد تا مطمئن باشد او نوشیدنی الکلی نخورده است. یک بار خطا کافی است که حکم زندان به جای در خانه ماندن به اجرا درآید. بروله در خانه ماند. طبق برنامه اجازه داشت هر از چند گاه برای خرید نیازمندی‌هایش از خانه خارج شود. علاوه بر آن برای شرکت در برنامه آموزشی به منظور ترک مشروبات الکلی نیز شرکت کند. بروله نهایت کوشش خود را کرد تا دوره محکومیت او طبق ضوابط موجود پایان یافت و عادت به نوشیدن الکل نیز از سرش رفت.